



بسم الله الرحمن الرحيم

کاریکاتورهای جنگی

روزنامه دانمارکی یولند پوست در تاریخ ۸/۷/۱۳۸۴ اقدام به نشر کاریکاتورهایی از رسول الله، محمد مصطفی نمود، و بعداً نیز بعضی روزنامه های غربی آنها را باز انتشار دادند. این کاریکاتورها، رسول الله را به عنوان یک اربابی نمونه و رهبر انسان کشان بی رحم ارائه میدهند. بگذریم از کارکاتورهایی که در داخل دانمارک از رسول الله ارائه شده اند و از جمله ایشان را در حال بازیهای جنسی با همسرانش نشان میدهند. آنچه که مسلم است اینست که: **اولاً** این کاریکاتورهای جنگی و این تبلیغات خصمانه، خلاف واقع هستند و ربطی به ماهیت شخص رسول و واقعیات زندگی ایشان ندارند و سیره رسول الله مبرا و بعید از این تهمتها و دشمنی هاست. **ثانیاً** این کاریکاتورهای جنگی و این تبلیغات خصمانه، بجای اینکه حقیقت زندگی و اهداف رسول الله را منعکس کنند و ماهیت ایشان را بیان نمایند، ماهیت و حقیقت دشمنان اسلام و مسلمین و اهداف غربی ها را تبیین و نشان میدهند، چرا که این کاریکاتورها و این تبلیغات بصراحت اعلام میدارند که: جنگی که غرب علیه ارباب (تروریسم) به راه انداخته است، جنگ علیه اسلام و رسول و همه مسلمین است، چیزیکه غرب، شیادانه و علیرغم وضوحش، تا حال آنرا انکار کرده است. غرب میخواهد بگوید که کاریکاتورهای دروغین، بیان رای بحساب می آیند و ناشی از آزادی رای و نظر هستند و کسی نمیتواند جلو آزادی بیان را بگیرد!، و نخست وزیر دانمارک هم گفته که حکومت او نه می تواند به روزنامه یولند پست چیزی بگوید و نه بجای آن معذرت خواهی کند. اما در این رابطه ما میگوییم که: بله این کاریکاتورها و این تبلیغات جنگی، ابراز رای و نظر (موضع نظری) محسوب میشوند، رای و نظری که خصومت و دشمنی و یک موضع جنگی را علیه اسلام و مسلمین اعلام می دارند. بگذریم از حضور جیش و نیروهای مسلح دانمارکی که

برای جنگ به کشورهای اسلامی ارسال گشته اند. آنچه در این رابطه از مسلمین و مدافعان رسول الله انتظار میرود، موضع متناسب با این مواضع جنگی و خصمانه، و مقابله به مثل است، اینست که عکس العمل جنگی و خصمانه مسلمین یک موضع متناسب تلقی میشود. خوب وقتی کل غرب، از جمله دانمارک، علیه ارهاب اعلام جنگ کرده و در همان حال رسول الله را بعنوان یک ارهابی نمونه و رهبر ارهابیین معرفی میکنند، و عملاً نیز نیروهای جنگی خود را به بلاد اسلامی اعزام میدارند، چه نوع رای و نظری و چه عکس العملی را می توان از مسلمین انتظار داشت؟! بدیهی است که مسلمین رای و نظری شدید اعلام خواهند داشت و موضع خود را به دشمن خواهند رساند، و آنچه را که بتوانند در دفاع از دین و پیامبر و کشورهای خود انجام خواهند داد، و من جمله به صحنه تظاهرات میآیند و کالاهای دانمارکی را تحریم میکنند و پرچم صلیب دار دانمارک را به آتش می کشند و خواستار قطع رابطه با آن کشور میشوند. بنابر این، این دولت و حکومت دانمارک است که این خصومت و این مواضع جنگی را آغازیده و نیروهای مسلحش را به جنگ مسلمین فرستاده است، و مسلمین صرفاً واکنش حد اقلی از خود نشان داده اند. پس اگر رای و نظری، جنگی را اعلام میکند، چرا طرف مورد هجوم، عکس العمل جنگی از خود نشان ندهد؟!، آیا غرب اینقدر خینگ و احمق است که چنین چیزهایی را فهم نمیکند، یا اینکه شیادی و حيله گری مینماید و خود را در کوچه ماکیاولیگری پنهان میسازد و امپریالیسم خبری هم برایش می نوازند!!

علاوه بر اینها، نظام سیاسی و فرهنگی و اقتصادی دانمارکی، نظامی است که حقی برای مسلمینی که در دانمارک اقامت دارند، قائل نیست، و حقیقتاً هیچ چیز آنها را به رسمیت نمی شناسد، و همه چیز آنها را بکلی پایمال کرده است، و از جمله حق نام گذاری فرزندان و حق پوشش و حق دینداری و حق آزادی بیان برای مسلمین قائل نیست، و به انواع شیوه ها در پی نابودسازی این حقوق ابتدایی است، و مسلمین ملتزم در دانمارک، این واقعیات را با همه وجودشان لمس میکنند. کافی است مظهری از اسلامیت را حمل کنی، تا از هر کار و شغل دولتی محروم شوی. و اگر هم شغلی شخصی داشته باشی، با رعایت اصول اسلامی، با برخورد نژادپرستان روبرو می شوی. مسلمین مقیم دانمارک حق داشتن مسجد و حق اقامه نماز در محل کار و حتی حق داشتن قبرستان را ندارند. همچنین در دانمارک، سخن گفتن به زبان غیر دانمارکی، در خارج از خانه، بسیار مشکل است، و جمله خبیثه: « کون دانسک: تنها دانمارکی صحبت کن » در همه جا شنیده و تحمیل میشود. و کار به جایی از

استبداد فرهنگی و سیاسی و اقتصادی رسیده که اگر جبری وجود نداشته باشد ، کمتر کسی حاضر است ، ذوب و ادغام (اینتگریشن) دانمارکی را تحمل نماید ، و حالا بالفعل صدها نفر از خارجیان مقیم دانمارک ، جهت خلاص شدن از چنگ فشارهای کمون دانمارکی ، علنا خود را به دیوانگی زده اند ، و عملاً بعنوان دیوانه با آنها برخورد میشود . و خود را به دیوانگی زدن به یک شغل خارجیان پناهنده مبدل گشته است . البته این وضع ، مختص دانمارک نیست و در کشورهای دیگر اسکاندیناوی و غربی هم ، به درجات متفاوت ، این فشارها وجود دارند . و در فرانسه هم دیدیم که چگونه پوشش اسلامی را ممنوع کردند و فرزندان مسلمین ملتزم را حتی از رفتن به مدرسه نیز محروم نمودند .

واقعا دولت و حکومت دانمارک و خاصتا نخست وزیر دانمارک (که متحد حزب نژاد پرست مردم دانمارک است ، و در وعده انتخاباتی خود وعده داده بود که خارجیان و مسلمین را یا به جزایر دورافتاده اندازد و یا آنها را بجایی برگرداند که از آن آمده اند) میبایست خجالت بکشند که بخود اجازه میدهند کلمه آزادی بیان را بر زبان آورند ، واقعا میبایست خجالت بکشند . آیا دولت دانمارک و نخست وزیر دانمارک خجالت نمی کشند که از آزادی بیان صحبت میکنند ، اما برای حفاظت از اصول دانمارکی ، یک نام اسلامی و یک روسری اسلامی و حتی زبانی غیر از زبان دانمارکی را تحمل نمی کنند! ، و در مدارس هم ، دختران مسلمان را وادار میکنند که همراه پسران در حوضهای عمومی شنا نمایند ، و امکان مخالفت را هم نه به دختران مظلوم میدهند و نه خانواده های مجبور . بگذریم از درس کریستیان دم (درس مسیحی سازی) که چند سالی است آنرا بر مدارس عمومی تحمیل کرده اند . مگر حکومت دانمارک و نخست وزیر نژاد پرست آن (راسموسن) و متحدانش ، همان کسانی نیستند که در وقت انتخابات ، اصل رقابت انتخاباتی و تبلیغاتی را بر اساس خارجی ستیزی و عداوت با پناهندگان بی چاره به پیش می برند؟! ، بله میبایست خجالت بکشند ، اما بیشرمی آنها بالاتر از این حرفهاست .

ما سه نوع بیان رای و نظر (موضع نظری) داریم : **نوع اول** ، بیان رای و نظری است که مبین موضع علمی و معرفتی و عقیدتی است . در این نوع بیان ، آنچه انسان بدان قانع است و به فکر و عقیده او مبدل شده است ، اعلام میشود ، و ادبیاتی هم که بکار برده میشود ، صرفا بیانگر فکر و عقیده و ایمان اوست . **نوع دوم** بیان رای و نظر ، تهمت آمیز و غیر واقعی و احيانا همراه با ادبیات جنگی است . در بیان چنین رای و نظری ، صاحب رای و نظر ، اکثرا به ماهیت و محتوای بیانات خود معتقد

نمی باشد و آن را واقعی نمی پندارد ، اما آن را بعنوان سلاحی علیه دشمن به کار میگیرد . این نوع بیان رای و نظر ، خصمانه بوده و اعلان دشمنی بحساب می آید .

نوع سوم بیان رای و نظر ، اعلان جنگ است . اعلان جنگ هم یک نوع بیان رای و اعلان موضع است ، و اعلان چنین رای و نظری، دیر یا زود منتهی به جنگ میشود ، زیرا طرف مقابل نمی تواند دست روی دست بگذارد و بگوید که خوب ما به رای و نظر شما احترام میگذریم! و شما در بیان رای و نظر خود آزاد هستید!!

آری ؛ کار غرب از حيله گری و شیادی و دروغگویی (ماکیاولیت) تجاوز کرده و کارش به عقده دری و دیوانگی منتهی شده است ، چونکه کارها و اعمالی را انجام میدهد که زشتی و پستی آن از چشم سبک عقلا ن هم پنهان نمی ماند ، و بعد هم با همه روشنی اش ، آن را توجیه میکنند ، و میخواهند طور دیگری بخورد بشریت بدهند . و همین است که تبلیغات غربی ، با همه گستردگی اش ، کسی را فریب نمی دهد ، و تنها کافی است در جایی آزادی بیان و انتخاب وجود داشته باشد ، تا شکست و افتضاح غرب محقق گردد ، که نمونه اخیرش را در فلسطین مشاهده کردیم ، و دیدیم که علیرغم همه موانع ، آمریکا چه سیلی محکمی از مردم فلسطین و حماس اسلامی دریافت نمود . بله غرب حقانیت خود را از دست داده است ، و تنها چیزی که برایش باقی مانده ، نظامهای استبدادی دست نشانده و سلاحهای مخرب و ویرانگرش هستند . اما در این رابطه سؤال اینست که آیا نظامهای استبدادی دست نشانده و سلاحهای ویرانگر عادی و هسته ای ، مانع شکست غرب و پیروزی اسلام و مسلمین خواهند شد؟ این سؤالی است که باید زمان آن را جواب بدهد ، ولی آنچه مسلم است اینست که غرب پوک و بی معنا شده است ، و حتی امثال مایکل جاکسون (نماد فرهنگ غربی) از فرهنگ و سیاست غربی فرار می کنند و به بلاد اسلامی و میان مسلمین می آیند ، و علیرغم همه موانع ، مسلمان میشوند .

سازمان موحدين آزاديخواه ايران

۳ محرم ۱۴۲۷ - ۱۳ بهمن ۱۳۸۴